

ابهام در جرم‌انگاری

فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع

مقدس اسلام

ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۹)

محسن پورمحمدی،* سیدحسین حسینی** و مجید شایگان فرد***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷	شماره صفحه: ۱۰۹-۸۸
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

یکی از مهم‌ترین اصول قانون‌نویسی در حقوق کیفری، نگارش متن قوانین به صورت صریح و بدون ابهام است. در نظام حقوقی ایران، قانونگذار برای نخستین بار در سال ۱۳۹۹ در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی، به جرم‌انگاری «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام» با استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القانات روانی پرداخت و با استفاده از عباراتی مبهم و گاهی کلی، علاوه بر ایجاد زمینه تشدد آرای محاکم و سرگردانی سیاست جنایی قضایی، موجب شد در مواردی اصول کلی حقوق کیفری نیز مورد خدشه قرار گیرد. از این رو با استفاده از ترکیبی از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی در این پژوهش در پی یافتن پاسخ به ابهام‌های موجود در ماده (۵۰۰) مکرر و چگونگی رفع آنها پرداخته است؟ پس از بازخوانی ابهام، طبق نتایج و داده‌های به‌دست آمده، حذف برخی عبارات زائد و درعین حال مبهم و نیز جایگزینی عباراتی صریح و کمتر تفسیربردار، ضروری است.

کلیدواژه‌ها: جرم‌انگاری؛ مغایر؛ مُخل؛ شرع مقدس اسلام؛ کنترل ذهن؛ القانات روانی

* استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه امیرالمؤمنین (ع)، اهواز، ایران؛

Email: pormohamadi@amiralmomenin.ac.ir

** دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: shosseini@um.ac.ir

(نویسنده مسئول)؛

*** استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد مشهد دانشگاه آزاد اسلامی

Email: drshayganfard@mshdiau.ac.ir

مشهد، مشهد، ایران؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴

doi: 10.22034/mr.2023.15345.5516

مقدمه

هرگاه در تشخیص معنای یک گزاره تردید وجود داشته باشد، ابهام^۱ ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر، ابهام هنگامی پدید می‌آید که از هر گزاره قانونی بیش از یک معنا قابل برداشت باشد (صادقی مقدم و امام‌وردی، ۱۳۹۲: ۱۳۸) و افراد معقول اهل فن معانی متعدد از آن دریافت کنند (امیدی، ۱۳۹۴: ۶۹). در نظام حقوقی ایران، قانونگذار برای نخستین بار در سال ۱۳۹۹ در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی ذیل فصل جرائم امنیتی، به جرم‌انگاری «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام» با استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی پرداخته است. این اقدام قانونگذار، هرچند ممکن است در جرم‌انگاری فعالیت‌های اعتقادی انحرافی، رویکرد مثبت و جدیدی را تداعی کرده و گامی رو به جلو در جهت مصون‌سازی جامعه از افکار، عقاید و آیین انحرافی برداشته باشد؛ اما با استفاده از عباراتی مبهم، دوپهلو و گاهی کلی و همچنین استفاده از عباراتی که ریشه فقهی یا حقوقی نداشته و بعضاً نامأنوس با ادبیات حقوقی هستند، زمینه تشنت آرای محاکم و سرگردانی سیاست جنایی قضایی کشور را به وجود آورده است. بدین گونه موجب شده در مواردی، اصول کلی حقوق کیفری نیز مورد خدشه قرار گیرد.

با اینکه ابهام موضوع تفسیر است؛ اما کانون بحث در تفسیر، رفع ابهام است (دیلمی، ۱۳۸۲: ۱۸) و کمتر به شناخت ابهام توجه می‌شود. بر این بنیاد، شناخت تفصیلی نسبت به ابهام می‌تواند زمینه را برای زدودن آگاهانه‌تر آن فراهم کند. از این رو، نیاز است که ابهام‌های موجود در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مورد بازخوانی قرار گیرد.^۲

۱. به نظر می‌رسد «اجمال» در یکی از معانی خود که همان «چند معنایی» باشد، با «ابهام» هم معنا است (در معنای دیگر، اجمال در برابر تفصیل به کار می‌رود) (قیاسی، ۱۳۹۸: ۳۳؛ امام‌وردی، ۱۳۹۹: ۱۵). همچنین طبق نظر صاحب کفایه الاصول: «و الظاهر: أنَّ المراد من المبیّن فی موارد إطلاقه: الکلام الذی له ظاهر، ویکون بحسب متفاهم العرف قالباً لخصوص معنی؛ والمجمل بخلافه» (آخوند خراسانی، ق ۱۴۰۹: ۳۵۲) مجمل آن است که عرفاً برای یک معنای خاص به کار برده نمی‌شود و صاحب اصول مظفر درخصوص معنای مجمل بیان داشته است: «آته ما لم تتضح دلالت» (مظفر، ۱۳۹۱: ۳۴۰) مجمل چیزی است که دلالتش واضح و ظاهر نباشد.

۲. ممکن است در توجیه اقدام قانونگذار، این گونه استدلال شود که چون جرائم علیه امنیت، دارای ابعاد، مصادیق و آثار مختلف و گاه متضاد است و پیش‌بینی همه آنها را برای قانونگذار کیفری، غیرممکن می‌سازد؛ بنابراین نزدیک‌تر به صواب آن است که قانونگذار تعمداً به استعمال عبارات مبهم و تفسیربردار در جرم‌انگاری این گونه اعمال مبادرت کند

هدف از این پژوهش، استفاده از نتایج و داده‌های به‌دست آمده در اصلاح و بازنگری قانون مجازات اسلامی است.

۱. روش‌شناسی پژوهش

اعتبار هر پژوهشی به روش‌شناسی و تحقیق آن بستگی تام دارد؛ زیرا روش تحقیق، پژوهشگر را به مسیری صحیح برای یافتن پاسخ پرسش‌های علمی هدایت می‌کند. دستیابی به اهداف تحقیق میسر نخواهد بود، مگر زمانی که جستجوی شناخت با «روش‌شناسی» صورت پذیرد. به عبارت دیگر، تحقیق از حیث روش است که اعتبار می‌یابد نه از حیث موضوع تحقیق (خاکی، ۱۳۸۶: ۱۵۵). از این رو پژوهش حاضر براساس تحلیل کیفی داده‌ها^۱ (نه تحلیل کمی) تدوین شده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات درخصوص مبانی نظری، از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شد و روش گردآوری داده‌ها میدانی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق^۲ با ۱۳ نفر از قضات دادسرا و دادگاه انقلاب با میانگین هر مصاحبه ۵۳ دقیقه (کمینه ۲۲ دقیقه، بیشینه ۸۳ دقیقه) است. بنابراین در این مرحله، دستیابی به توصیف عمیق و غنی از تجارب و ادراک مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس پژوهشگر از طریق مصاحبه‌های اکتشافی به صورت حضوری، انفرادی و چهره‌به‌چهره، داده‌های میدانی لازم را جمع‌آوری کرده و برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و میدانی، از نرم‌افزار «مکس کیودا»^۳ استفاده شده است.^۴ این نرم‌افزار از عملکرد خوبی برای تجزیه و تحلیل حرفه‌ای داده‌های کیفی به خصوص متون مصاحبه‌ها

تا بدین طریق بتواند برای تمامی ابعاد، مصادیق و آثار مزبور، حکمی مقرر کند.

۱. اگر در تحقیق، اطلاعات دریافتی یا جمع شده تابع صرف تجمیع آمار و ارقام نباشد، بلکه براساس تحلیلی فراتر از اعداد باشد، از آن به عنوان «تحلیل کیفی» یاد می‌کنیم که در این نوع تحقیق، تأکید بر آمار و ارقام نیست و صرفاً به محتوای داده‌ها و نوشته‌ها توجه می‌شود (جاوید، ۱۳۹۸: ۹۶).

۲. مصاحبه از ابزارهای بسیار وقت‌گیر و ارزشمند برای گردآوری داده‌ها است که مطالب بسیاری درباره انواع مختلف محیط‌های اجتماعی و اعضای آنها فاش می‌کند (چمپیون، ۱۳۹۵: ۳۹۰). مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، دارای فهرستی از پیش‌تعیین بوده و از پرسش‌های با پاسخ نسبتاً ثابت تشکیل می‌شود. در اغلب موارد مصاحبه‌گران نسبت به فهرست این چارچوب، متعهد هستند (همان: ۳۹۷).

3. MAXQDA 2020

۴. نرم‌افزار MAXQDA ۲۰۲۰ (مکس کیودا) ساخت کشور آلمان و تاریخ انتشار پایدار آن در ۵ دسامبر ۲۰۱۷ است.

برخوردار است و برای محققان در زمینه رشته حقوق که در حوزه‌های کاری آنها با تجزیه و تحلیل متن سروکار دارند، مطلوب است. در این پژوهش، پس از اتمام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آنها، در نرم‌افزار مکس کیودا کدگذاری باز و محوری صورت گرفت.

۲. سازمان‌دهی پژوهش

در پژوهش انجام شده با بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی، سه عبارت دارای ابهام در ماده (۵۰۰) مکرر به‌دست آمد، سازمان‌دهی پژوهش نیز بر همان اساس در سه عنوان «ابهام در مفهوم کنترل ذهن و القائات روانی»، «ابهام در مفهوم شرع مقدس اسلام» و «ابهام در مفهوم فعالیت آموزشی و یا تبلیغی مغایر و یا مُخل»، صورت پذیرفت. از این‌رو ابتدا الگوی پارادایم ابهام در فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و مُخل به شرع مقدس اسلام و جدول توزیع فراوانی بخش‌های کدگذاری شده، ارائه می‌شود و سپس سه عنوان فوق‌الذکر مطابق با یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

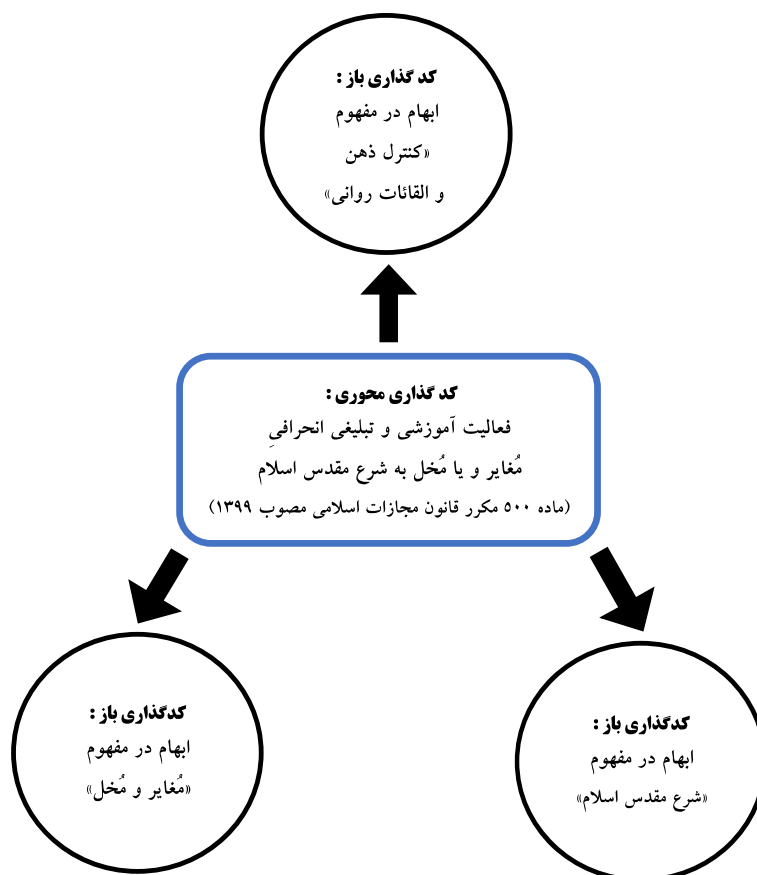
۳. ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی»

«کنترل ذهن و القای روانی» امروزه موضوع بسیار کلیدی و استراتژیک در جهان (کریمی‌نیا، انصاری مقدم و زاهدی، ۱۴۰۰: ۱۴) و یکی از راه‌های تأثیرگذاری بر دیگران در ارتکاب رفتار مجرمانه است و می‌تواند افراد را به سمت وسوی ارتکاب رفتار مجرمانه سوق دهد. همواره در جوامع مختلف، افرادی هستند که با سوءاستفاده از قدرت و توانمندی‌های استدلالی و هنری بر دیگران تأثیرگذارند و آنها را به انجام فعالیت‌های خود هدایت کنند (سلیمی، ۱۴۰۱: ۲). از این‌رو می‌توان گفت در عصر حاضر قدرت ذهن بر قدرت بازو، برتری یافته است (جهانیان و روحی، ۱۳۹۹: ۱۹۹). طبق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی، یکی از ابهام‌های مهم در ماده (۵۰۰) مکرر^۱ عبارت «کنترل ذهن و

۱. ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹، سابقه‌ای در قوانین جزایی بعد از انقلاب نداشته و محتوای آن نیز مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته بود. به نظر می‌رسد هدف از تصویب این ماده (به‌خصوص بند «۲») جرم‌انگاری رفتاری است که موجب تغییر و انحراف شناخت افراد نسبت به افکار دینی و عقاید مذهبی شده و بر ذهن و روان مخاطب تأثیر می‌گذارد.

القائات روانی» است. از این رو در ادامه ابتدا نمونه بخش‌های کدگذاری شده کد ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی» در قالب جدول ارائه می‌شود و سپس به چگونگی تحقق فعالیت آموزشی یا تبلیغی از طریق کنترل ذهن و القای روانی می‌پردازد.

شکل ۱. الگوی پارادایمی «ابهام در فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و مخل به شرع مقدس اسلام»



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

ابهام در جرم انگاری فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل ... ۹۳

جدول ۱. توزیع فراوانی بخش‌های کدگذاری شده

کد محوری «فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام»

کدگذاری محوری	کدگذاری باز (کدگذاری آزاد)	تعداد بخش‌های کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی»	۳۸
	ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام»	۳۵
	ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل»	۴۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده،

کد ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی»

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد مصاحبه‌شونده	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی»	P 517	عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی»، هم عبارتی نامأنوس با ادبیات حقوق کیفری و هم مبهم است و به‌نظر می‌رسد از امور فنی باشد که اهل فن، مثل کسانی که در حوزه روان‌شناسی فعالیت می‌کنند می‌توانند معنی آن را بیان کنند، اما آن‌طور که از ماده قانونی و سیاق قانون ماده (۵۰۰) مکرر برمی‌آید شامل عرفان‌های کاذب و دروغین می‌شود.
		P 520	مجلس شورای اسلامی شاید متعهد باشد اما متخصص نیست، از این رو قوانین غیرشفاف وضع می‌کند، به‌منظر من مجلس باید به چالش کشیده شود. ابهام‌های زیادی در جرم‌انگاری ماده (۵۰۰) مکرر وجود دارد؛ از جمله مفهوم عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی».
		P 503	با توجه به بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر، به‌نظر می‌رسد عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی» با فعالیت آموزشی و تبلیغی محقق می‌شود، اما فعالیتی که در آن استدلال و دلیل نباشد؛ مثلاً با الفاظ بازی می‌کند یا با محبت یا خواب دیدن، القای روانی صورت می‌گیرد. به‌عنوان نمونه جریان یمانی؛ این جریان هیچ‌گونه منبع دینی و استدلالی ندارد، «کنترل ذهن و القائات روانی» کاملاً بر این مسئله تطبیق می‌کند؛ چرا؟ چون بیشتر افرادی که عقاید جریان یمانی را پذیرفتند، با خواب دیدن یقین پیدا کردند که افکار، عقاید و آیین جریان یمانی بر حق است (این جریان استدلالی نیست و با بازی در الفاظ تبلیغات می‌کنند).
		P 521	وقتی به فردی مطلبی آموزش داده می‌شود، درواقع با ورود اطلاعات به ذهن او، عملاً «کنترل ذهن» محقق می‌شود. به‌نظر بنده مفهوم نهایی «کنترل ذهن» و «القای روانی» برابر هستند. درنتیجه با هرگونه فعالیت آموزشی و تبلیغی اندک، طریقت بیان شده در صدر ماده (کنترل ذهن و القائات روانی) صورت می‌پذیرد.

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد مصاحبه‌شونده	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القاءات روانی»	P 505	رفتار ماده (۵۰۰) مکرر با فعالیت‌های جریان شعور کیهانی تطبیق دارد که از طریق ارتباط با غیب و اجنه و درنهایت تسخیر ذهن، اموری را آموزش می‌دهند.
		P 507	منظور از کنترل ذهن و القاءات روانی، هیپنوتیزم نیست، منظور آن است که فردی بر اثر فشار روحی و ذهنی ایجاد شده مطلبی را بپذیرد؛ مثل القایی که با بازی نهنگ آبی ایجاد می‌شود و در مرحله آخر بازی فرد باید خودکشی کند یا مانند «داعشی» عملیات انتحاری انجام دهد.
		P 504	به‌نظر می‌رسد مصداق آموزش و تبلیغ از طریق «کنترل ذهن و القاءات روانی» حلقه عرفانی شعور کیهانی است.
		P 506	به‌نظر بنده «کنترل ذهن و القاءات روانی» ناظر بر فرقه‌ها و گروه‌هایی است که جهان‌بینی و ایدئولوژی خاصی ندارند و برای اثبات خود، برهان و استدلال ندارند و بیشتر از راه ارتباط معنوی و گاه‌ما محبت کردن، به جذب مخاطب و تبلیغ برای فرقه و گروه خود اقدام می‌کنند (مانند مسیحیت تبشیری).
		P 525	به‌نظر می‌رسد ضابطه تحقق کنترل ذهن و القاءات روانی در بستر فضای مجازی، باید دقیقاً با قانونگذار مشخص شود.

مأخذ: همان

قانونگذار با استعمال عبارات غیر حقوقی «کنترل ذهن» و «القاءات روانی» در صدر ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی با توجه به عدم تبیین و توضیح مفهوم آنها، ابهام‌هایی به‌همراه داشته است. به‌نظر می‌رسد در این خصوص دو برداشت می‌توان ارائه کرد:

برداشت اول آن است که «کنترل ذهن» با استفاده از مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارها با هدف تأثیرگذاری و تسلط بر ذهن اطلاق می‌شود (سلیمی، ۱۴۰۱: ۳) که درواقع، همان توانایی مدیریت کردن افکار و باورهاست (جهانیان و روحی، ۱۳۹۹: ۲۰۰) و منظور از «القاءات روانی» بیان مطالبی است که در روان مخاطب اثر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که افکار و اعتقادهای وی تغییر یابد.^۱ البته با توجه به اینکه قانونگذار، نتیجه خاصی را در متن ماده ذکر نکرده، این جرم مطلق است و برای تحقق آن، تأثیرگذاری «فعالیت آموزشی و

۱. به‌عنوان مثال، فرد «الف» به دنیای پس از مرگ ایمان و اعتقاد راسخ دارد؛ اما فرد «ب» با استدلال‌های گوناگون و با استناد به آموزه‌های مادی‌گرایان، اعتقاد وی را تضعیف و درنهایت از بین می‌برد؛ به شکلی که فرد «الف» دیگر اعتقادی به آخرت نداشته و زندگی را محدود به همین جهان مادی می‌داند. به‌طور منطقی در چنین حالتی، نحوه زیست و شخصیت وی نیز تحت تأثیر اعتقادهای جدیدش، شکل متفاوتی نسبت به گذشته پیدا خواهد کرد. این مثال، معنای «القاءات روانی» را روشن می‌کند و نشان می‌دهد چه تفاوت‌ها و عواقبی می‌تواند برای افراد به دنبال داشته باشد.

یا تبلیغی انحرافی» بر افراد شرط نشده و الزاماً به ایجاد انحراف در مخاطب نیاز نیست. باید اذعان داشت که امروزه آنچه از معنای «کنترل» به ذهن متبادر می‌شود، اجبار و عدم اختیار است؛ این اجبار و عدم اختیار را به‌خصوص در مواردی مانند «هیپنوتیزم» می‌توان مشاهده کرد و طی آن، فردی که هیپنوتیزم شده، رفتارهایی را انجام می‌دهد که بدون اراده و تحت تأثیر هیپنوتیزم است (اسدی و انانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴)؛ بر این مبنا، قانونگذار با استعمال عبارت «فعالیت آموزشی و تبلیغی» در بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر، فاقد تناسب با معنای واژه «کنترل ذهن» است. به بیان دیگر، نمی‌توان متصور بود که فردی، بدون اراده، آموزش ببیند؛ چراکه فراگیری آموزش، مستلزم وجود اراده و آگاهی است؛ توضیح مطلب اینکه با استفاده از «شیوه‌های کنترل ذهن در فضای واقعی یا مجازی» می‌توان اقدامی انجام داد که «موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری گردد» (بند «۱» ماده ۵۰۰ مکرر)، اما نمی‌توان مخاطب را موضوع فعالیت‌های آموزشی قرار داد (بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر)؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، فراگیری آموزش، مستلزم وجود اراده و آگاهی است؛ بنابراین شمولیت عبارت «کنترل ذهن»^۱ بر بند «۱» ماده (۵۰۰) مکرر و عدم شمولیت آن بر فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی موضوع بند «۲» را نمی‌توان عیناً به عبارات «القائات روانی»^۲ تسری داد و القائات روانی، شامل بندهای دوگانه ماده مزبور خواهد شد. بر مبنای آنچه گفته شد، در راستای تبیین مفهوم «کنترل ذهن» و «القائات روانی» و تطبیق آنها با بندهای دوگانه ماده (۵۰۰) مکرر می‌توان این‌گونه بیان داشت که: «کنترل ذهن» برای قربانی، حالتی غیرارادی ایجاد می‌کند و درخصوص بند «۱» قابل استناد است؛ اما در «القائات روانی»، مخاطب اراده و اختیار دارد و درخصوص بند «۱» و «۲» ماده

۱. به‌طور کلی، برای فهم دقیق ذهن، نیاز است مفهوم و رابطه آن را با مغز و روح دریابیم. مغز به‌مثابه رایانه یا سخت‌افزار است. فعالیت‌های ذهنی (کارکردهای شناختی، عاطفی و رفتاری) در حکم عملکردهای نرم‌افزاری این رایانه هستند و روح در حکم کاربر رایانه است که به فعالیت‌های ذهنی معنا می‌بخشد (مرعشی، ۱۴۰۰: ۳۷۳)؛ به عبارت دیگر، ذهن و مغز هردو جزء واحد هستند. ذهن، همان نرم‌افزار یا برنامه‌های اجرایی است و به سخت‌افزار این کامپیوتر مغز گفته می‌شود (جهانیان و روحی، ۱۳۹۹: ۲۰۱)؛ روح نیز در حکم کاربر رایانه است. فعالیت‌های رایانه به‌خودی‌خود معنایی ندارد؛ بلکه کاربر است که به این فعالیت‌ها معنا می‌بخشد (مرعشی، ۱۴۰۰: ۴۲۲).

۲. برگرفته از سؤال معاون قضایی رئیس کل دادگاه‌ها و سرپرست مجتمع جنایی و انقلاب اهواز از مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه و پاسخ آن مرکز به شماره دبیرخانه ۹۰۰۰/۱۰۹۸/۴۸۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۲.

مذکور قابل استناد است. البته درخصوص برداشت بیان شده، می‌توان این اشکال را مطرح کرد که بین دو عبارت «کنترل ذهن» و «القائات روانی»، حرف «واو» آمده و این حرف نشان‌دهنده همراهی و معیت دو عبارت مذکور با هم است. به بیان دیگر، ابتدا این‌گونه برداشت می‌شود که هم‌زمان عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی» برای هر دو بند «۱» و «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قابل استناد است. در پاسخ به این اشکال و در جهت رسیدن به تفسیر غایی از این عبارت، می‌توان بیان داشت قانونگذار توجه و تدقیق لازم را در استعمال این حرف نداشته و این امر ناشی از قانون‌نویسی غیرحرفه‌ای و غیرتخصصی است.

برداشت دوم آن است که هم‌زمان «کنترل ذهن و القای روانی» برای تحقق رفتار مجرمانه بند «۱» و «۲» به کار می‌رود؛ به این صورت که ممکن است «تسلط روانی یا جسمانی بر دیگری و فعالیت آموزشی یا تبلیغی» همراه با استدلال و دلیل^۱ باشد یا از طریق محبت کردن^۲ یا ایجاد فشار روحی و ذهنی^۳ بر دیگری محقق شود. در این برداشت می‌توان «فرایندهای ذهنی» را همان «فرایندهای روانی» دانست و مفهوم «روان» را مترادف با مفهوم «ذهن» قرار داد^۴ (مرعشی، ۱۴۰۰: ۴۰۵)؛ در این صورت «کنترل ذهن و القای روانی» از طریق ارائه استدلال یا محبت و ایجاد فشار روانی بر دیگری صورت می‌پذیرد. در تأیید این برداشت، یکی از روان‌شناسان معتقد است در تبیین فعالیت سه‌گانه ذهن، می‌توان این‌گونه بیان داشت که: بخش شناختی ذهن، عمدتاً ناشی از فعالیت قشر مخ و اثر بر این بخش، با استدلال یا دلیل است؛ بخش عاطفی عمدتاً ناشی از فعالیت دستگاه لیمبیک مغز و اثر بر این بخش، با تحریک عواطف و محبت کردن است؛ بخش رفتاری نیز عمدتاً ناشی از فعالیت قشر مخ و اثر بر بخش سوم با تغییر الگوهای رفتاری مانند پاداش و تنبیه است. لذا منظور از «ذهن»، مجموعه فرایندهای الکتریکی بسیار حجیم، منسجم، درهم‌تنیده و درعین حال منظم و هدفمند مغزی است (همان: ۴۲۴). بنابراین

۱. به عنوان مثال جریان وهابیت.

۲. به عنوان مثال مسیحیت تبشیری.

۳. به عنوان مثال جریان داعش.

۴. البته این مسئله در علوم روان‌شناسی، به عنوان اشتباه مصطلح، پذیرفته شده است (مرعشی، ۱۴۰۰: ۴۰۵).

عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی» به معنای انتقال مفاهیم (از طریق استدلال یا تحریک عواطف) و نه به معنای اجبار به کار رفته است و به بند «۱» و «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قابلیت استناد دارد.

در نهایت، هرچند با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و همچنین تفسیر منطقی از متن قانون، برداشت دوم به اصول حقوقی نزدیک‌تر است، اما باید در لایحه تعزیرات، عبارت فوق‌الذکر اصلاح یا مفهوم آن تبیین شود. به نظر نگارندگان، با توجه به اطلاق عبارت «هر اقدامی...» در ابتدای بند «۱» ماده (۵۰۰) مکرر و همچنین با عطف نظر به وضوح نسبی در مفهوم و مصداق عبارت «... فعالیت آموزشی و یا تبلیغی...» در صدر بند «۲»، آوردن عبارت «... و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی...» (در صدر ماده مزبور) ضمن زائد بودن، بر ابهام‌های موجود بیش‌ازپیش افزوده است. بنابراین حذف عبارت اخیر در لایحه تعزیرات به منظور وضوح هرچه بیشتر عبارات قانونی، پیشنهاد می‌شود.

۴. ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام»

تحقق بزه کیفری موضوع بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی، مشروط بر آن است که «فعالیت آموزشی و تبلیغی»، ضمن انحرافی بودن، مغایر یا مُخل به «شرع مقدس اسلام» نیز باشد. بنابراین شرع مقدس اسلام^۱ (علاوه بر ذهن و روان افراد) به مثابه یک آماج مجرمانه، مورد حمایت کیفری قانونگذار واقع شده است. طبق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی، یکی از ابهام‌های مهم در ماده (۵۰۰) مکرر، عبارت «شرع مقدس اسلام» است. از این رو ابتدا نمونه بخش‌های کدگذاری شده کد ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام» در قالب جدول ۳ ارائه و سپس به بررسی مفهوم عبارت فوق پرداخته می‌شود.

۱. اسلام در لغت، به معنای انقیاد و گردن نهادن به حکم است و در اصطلاح، آخرین شریعت توحیدی است که خداوند با پیامبر گرانقدرش حضرت محمد (ص) برای هدایت مردم فرستاده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۳۰۰).

جدول ۳. نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده،
کد ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام»

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد مصاحبه شونده	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مَعاَیِر و یا مُخِل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام»	P 503	هم شیعه و هم اهل سنت زیرمجموعه اسلام هستند، اما در اعتقادات تفاوت‌های زیادی دارند، از این جهت به نظر می‌رسد معنی و مفهوم «شرع مقدس اسلام» دارای ابهام است.
		P 508	منظور از «شرع مقدس اسلام» اعتقادات دینی مسلمانان است.
		P 504	مراد از «شرع مقدس اسلام» اصول دین اسلام است که آن هم بین شیعه و اهل سنت اختلافی است. اهل سنت اصول سه‌گانه و تشیع اصول اربعه را قبول دارند؛ یعنی طبق نظر اهل سنت اصول دین شامل توحید، معاد، نبوت می‌شود و طبق نظر تشیع اصول دین شامل توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت می‌گردد.
		P 523	متأسفانه قوانین ما در حوزه جرائم امنیتی کلی و دوپهلو هستند، مانند استفاده از عبارت «شرع مقدس اسلام» در ماده (۵۰۰) مکرر که جدیداً تصویب شده است.
		P 524	مراد از «شرع مقدس اسلام» اصول دین است؛ یعنی توحید، نبوت، امامت، عدالت و معاد.

شرع مقدس اسلام با هیچ‌یک از تعالیم فقهی،^۱ اخلاقی-عرفانی^۲ و کلامی، مساوی نیست؛^۳ به بیان دیگر، شرع مقدس اسلام، ثابت و فراتر از تفاسیر انسانی بوده و نمی‌تواند مانند تعالیم فوق، به انسان، زمان و مکان وابسته شود و برعکس، باید مفهومی برای آن در نظر گرفت که با گذر زمان یا تغییر مکان یا

۱. چنانچه تعالیم فقهی، به‌عنوان بخشی از شرع مقدس در نظر گرفته شود، در آن صورت اولاً: مشخص نیست نظر کدام فقیه باید معیار و مبنا قرار گیرد تا براساس آن، نظر مخالف را تشخیص داد؛ ثانیاً: حتی اگر بتوان نظر یک فقیه یا نظر مشهور فقها را به‌عنوان معیار در نظر گرفت، در آن صورت هر فقیه‌ای که نظر مخالف فقیه معیار یا نظر مشهور ارائه کند، باید به‌عنوان مجرم تلقی شود! درحالی‌که اختلاف در آرا و فتاوای فقها یک امر کاملاً عادی و معمول است؛ بنابراین نمی‌توان تعالیم فقهی را به‌معنای شرع مقدس اسلام تلقی کرد.

۲. تعالیم اخلاقی و عرفانی وضعیت مشابه تعالیم فقهی را دارد و بسته به اعتقادهای افراد و همچنین در گذر زمان، تغییر می‌یابد و دامنه شمول آنها، محدود یا گسترده می‌شود.

۳. نظر مخالف: شرع عبارت است از مجموعه قواعد و مقرراتی که از طریق وحی به انبیا رسیده است که شامل مسائل اعتقادی و اخلاقی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۲۷۹).

براساس اعتقاد معتقدان، محتوای آن کم و زیاد نشود. با توجه به آنچه گفته شد و همچنین عطف نظر به اینکه یکی از اصول حقوق کیفری، تفسیر محدود یا مضیق قوانین است، واژه‌ها باید به گونه‌ای تفسیر شوند که کمترین دامنه تعریفی را دربرگرفته و رفتارهای کمتری را شامل شوند تا از تعمیم آن به موارد مشکوک اجتناب شود. همچنین با در نظر گرفتن این مهم که مخاطبان قوانین کیفری، باید موضوع قوانین را به طور شفاف و روشن درک کنند تا بتوانند به راحتی، محدوده آزادی یا ممنوعیت عمل خود را ترسیم کنند که یکی از طرق نیل به این مقصود، تعیین دقیق حدود موضوع جرم است. از این رو عبارت «شرع مقدس اسلام» نیز باید با توجه به مطالب فوق، تفسیر و آن را به موارد یقینی منحصر کرد و از گستره معنایی آن، تا حد ممکن کاست. با پذیرش این منطق، می‌توان گفت منظور از شرع مقدس اسلام، آموزه‌هایی است که در هریک از مذاهب اسلامی به عنوان اصول دین پذیرفته شده‌اند.^۱ این اصول از دیدگاه اهل تسنن عبارتند از: توحید، نبوت و معاد و از دیدگاه اهل تشیع، علاوه بر موارد گفته شده، عدل و امامت نیز در زمره اصول دین قرار می‌گیرد. بنابراین ممکن است، این تلقی به وجود آید که انجام فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی از جانب فرد اهل تسنن در صورتی که مغایر با اصول سه‌گانه مذهب مزبور یا مُخل به آنها باشد، در صورت جمع سایر شرایط، می‌تواند مصداق رفتار مجرمانه موضوع بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی باشد و همین‌گونه است چنانچه فرد شیعه، مبادرت به فعالیت آموزشی و تبلیغی کند که علاوه بر انحرافی بودن، مغایر با اصول پنجگانه مذهب مزبور یا مُخل به آنها باشد.

در صورت تأیید این گزاره، ممکن است سؤال شود^۲ که چنانچه یک مرتکب اهل تسنن، فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی را انجام دهد که مغایر با اصول مورد قبول مذهب تشیع (عدل و امامت) و یا مُخل به آن باشد، آیا امکان محکوم

۱. مؤید این تفسیر مصادیق بیان شده ذیل بند «۲» است: ادعای الوهیت، ادعای نبوت و ادعای امامت.

۲. با پذیرش تفاوت میان اهل تسنن و تشیع در مصادیق اصول دین.

کردن وی براساس بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر وجود دارد؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قانونگذار در صدر ماده (۵۰۰) مکرر، از عبارت «هرکس» استفاده کرده و داشتن مذهب و عقیده خاصی را در فرد مرتکب، شرط نکرده است و همچنین با توجه به ذکر مصادیق تمثیلی‌ای همچون ادعای امامت به‌عنوان مصداقی از فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر یا مخل به شرع مقدس اسلام در بند «۲» ماده مزبور، می‌توان مدعی شد که مراد از شرع مقدس اسلام، همان اصول پنجگانه مورد پذیرش در مذهب تشیع اثنی‌عشری است. ضمن اینکه باید توجه داشت که به‌موجب اصل دوازدهم قانون اساسی: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است...».

بر مبنای آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد صرفاً فعالیت‌هایی طبق بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، جرم‌انگاری شده و قابل مجازات است که مخل یا مغایر با یکی از مفاهیم پنجگانه فوق باشد؛ در غیر این صورت، مشمول ماده فوق نخواهد بود. چنین تعریفی از «شرع مقدس اسلام»، با توجه به اینکه معنای مشخص و روشنی دارد و از مباحث اختلافی اجتناب می‌کند، موجب می‌شود مخاطبان قانون نیز تکلیف خود را دانسته و محدوده عمل خویش را به‌راحتی ترسیم کنند و در مقابل، از تفسیر موسع و غیراصولی قانون خودداری می‌شود.^۱ با وجود توضیحات ارائه شده،^۲ نزدیک‌تر به صواب این بود که قانونگذار، منظور خود از عبارت شرع مقدس اسلام و نیز حدود و ثغور آن را به‌روشنی تبیین می‌کرد تا از اعمال نقطه‌نظرهای شخصی در مرحله

۱. نکته مهم دیگر که باید مدنظر باشد، این است که فعالیت‌های مذکور، باید خلاف «شرع مقدس اسلام» باشد نه خلاف «اعتقادهای مسلمین» یا «احکام فقهی» و نباید تصور کرد که اعتقادهای مسلمانان، همان شرع مقدس اسلام است. ممکن است یک فعالیت آموزشی یا تبلیغی، کاملاً خلاف اعتقادهای مسلمانان در جامعه اسلامی باشد، اما خلاف شرع نباشد. فرض کنید یک نویسنده، پس از تحقیقات مفصلی که انجام داده، به این نتیجه می‌رسد که فلان عقیده مسلمانان، مبتنی بر خرافات بوده و خلاف شرع است و برای معرفی اسلام واقعی، یافته‌های خود را تبلیغ می‌کند. به‌طبع چنین فعالیتی صرفاً مخالف عقیده مسلمین است و آن را نباید مخل یا مغایر شرع دانست.

۲. برگرفته از سؤال مدیر کل اداره حقوقی قوه قضائیه از مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه و پاسخ آن مرکز به شماره دبیرخانه ۹۰۰۰/۸۹۱/۴۸۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳.

قضایی، جلوگیری به عمل آید.^۱

به نظر نگارندگان، استعمال عبارتی همچون «اصول پنجگانه دین اسلام» به جای «شرع مقدس اسلام» و اصلاح ماده مزبور در این راستا، می تواند ضمن ثمربخش بودن، از ابهام ها، تشّت رویه و همچنین تفسیرهای موسّع احتمالی جلوگیری به عمل آورد.

۵. ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل»
«فعالیت آموزشی^۲ و یا تبلیغی^۳» رفتار بزه کیفری موضوع ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ را تشکیل می دهد که شرط تحقق آن «مُغایر یا مُخل بودن به شرع مقدس اسلام» است. طبق مطالعات کتابخانه ای^۴ و تحقیقات میدانی^۵، یکی از ابهام های مهم در ماده (۵۰۰) مکرر عبارت «مُغایر و یا مُخل» است. از این رو ابتدا نمونه بخش های کدگذاری شده کد ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی یا تبلیغی انحرافی مُغایر یا مُخل» در جدول ۴ ارائه و سپس به بررسی مفهوم عبارت فوق پرداخته می شود.

۱. قانونگذار می تواند مراد خود را از عبارت «شرع مقدس اسلام» در یک تبصره الحاقی بیان کند.

۲. کلمه «آموزش» معادل واژه انگلیسی «Instruction» یا «Teaching» است و این دو واژه در انگلیسی به معنای آموزش، تعلیم و تدریس آمده است. تدریس و آموزش در اصطلاح از هم متفاوتند. آموزش، در اصطلاح به چند معنا آمده است: تحریک و راهنمای یادگیری؛ هنر کمک کردن به یادگیری در دیگری؛ فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوالی که یادگیری را آسان سازد (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۳۵).

۳. تبلیغ، انتشار و انتقال اطلاعات و عقاید و دیدگاه هایی است بین فرد یا افرادی به منظور نفوذ و ایجاد دگرگونی و تأثیر در روحیات، افکار و رفتارهای آنها. در واقع می توان گفت، تبلیغات ابزاری است که به کمک آن اطلاعاتی هدفمند (درست یا نادرست) به یک یا گروهی از مخاطبان (خاص و عام) انتقال می یابد، اما در اسلام مراد از تبلیغ آشنا کردن مردم با احکام اسلامی و معارف الهی و بشارت دادن مؤمنان و انداز و هشدار مخالفان است (خندان، ۱۳۷۴: ۶۲).

۴. تحقیق کتابخانه ای روشی معمول برای گردآوری اطلاعات است و شاید آشنا ترین روش برای محققان تلقی می شود (جاوید، ۱۳۹۸: ۹۴).

۵. در تحقیق میدانی ممکن است به کتابخانه رجوع شود و در آنجا به گردآوری اطلاعات پرداخت؛ یعنی بخشی از تحقیق کتابخانه ای و بخشی میدانی باشد (جاوید، ۱۳۹۸: ۹۳).

جدول ۴. نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده،
کد ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و یا مُخل»

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد مصاحبه‌شونده	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و یا مُخل»	P 517	به‌نظر من مفهوم عبارت «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مُخل شرع مقدس اسلام» ابهام دارد و تفسیر آن در حوزه علم حقوق امکان ندارد و باید به فقه مراجعه کنیم، نیاز است از علما و مراجع حاضر استفتاء کنیم که کدام‌یک از افکار و عقاید، مُخل و یا مغایر به شرع مقدس اسلام هستند.
		P 507	من پرونده‌ای داشتم که متهم می‌گفت من پیغمبر آخرالزمان هستم، به او گفتم خاتم‌التبیین حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است، گفتم من خاتم‌الرسل هستم. گفتم چه فرقی می‌کند؟ گفت بالاخره من پیغمبر آخرالزمان هستم، حضرت رسول را قبول دارم اما او پیغمبر قبلی من است و من پیغمبر الان هستم و به اطرافیان خود این مسئله را توضیح و آموزش می‌داد! رفتار این فرد مطابق با بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر و مُخل به شرع مقدس اسلام است.
		P 505	فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر یا مُخل به شرع مقدس اسلام؛ از طرفی... طرُقش را گفته مانند طرح ادعای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی؛ از قبیل... از قبیل یعنی دارد مصداق را مشخص می‌کند، ادعای الوهیت، ادعای نبوت. پرونده‌ای داشتم که شخصی ادعای خدایی کرده بود و برای این ادعا تبلیغ می‌کرد، قطعاً این فعالیت برخلاف شرع مقدس اسلام می‌شود.
		P 503	مقصود از مُخل به شرع مقدس اسلام، عقاید است که در هیچ‌کدام از مذاهب اسلامی مورد تأیید نباشد؛ یعنی اعتقادی که واقعاً اسلام را از بین برد.
		P 508	بعضی عرفان‌ها و فرقه‌های نوظهور ادعاهایی دارند که به‌صراحت انحرافی و مُخل و مغایر شرع مقدس اسلام است و برای افکار خود در فضای واقعی و مجازی تبلیغ می‌کنند. به‌نظر می‌رسد هدف از جرم‌انگاری رفتار بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر واکنش کیفری به آنها می‌باشد.

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد مصاحبه‌شونده	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام	ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل»	P 522	ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی ابهام‌های زیادی دارد و تفاسیر متعددی از عبارات این ماده می‌توان داشت.
		P 504	یک مُغایر شرع اسلام داریم و یک مُخل به شرع اسلام. مغایر یعنی به‌صورت صد درصد مخالف شرع مقدس اسلام است؛ مثلاً کسی بگوید شما روزه سکوت بگیر، این روزه سکوت صد درصد مغایر آیین اسلام است. مخل یعنی اخلاص ایجاد کند در دستورات اسلام. مثلاً در روز اربعین زیارت امام حسین مستحب است، فردی بیاید و یک‌چیز جدید بگوید که در زیارت اربعین اخلاص ایجاد کند. به‌عبارت‌دیگر مخل این نیست که مخالفت ایجاد کند، یعنی آن جریان اصلی را مورد حمله‌ای قرار نمی‌دهد بلکه در سرعتش اخلاص ایجاد می‌کند. پس این فرق مخل و مغایر است.

مأخذ: همان.

جهت بررسی ابهام موجود در مفهوم «مغایر و یا مخل» نیاز است ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی این دو واژه بازخوانی شود. در لغت‌نامه‌ها برای واژه «مغایر» این تعاریف ذکر شده است: «ناجور، دگرگون» (نرم‌افزار فرهنگ لغت عمید، ذیل واژه مغایر)، «مخالف، دگرگون» (نرم‌افزار فرهنگ لغت معین، ذیل واژه مغایر)؛ «برخلاف، برعکس، برضد و ناموافق» (نرم‌افزار فرهنگ یار دهخدا، ذیل عنوان مغایر). واژه «مغایر» از ریشه «غیر» گرفته شده و واژه‌ای عربی است و امر مغایر در تضاد با یک پدیده است. با توجه به معنای لغوی واژه «مغایر»، مراد از عقاید و افکار انحرافی مغایر شرع مقدس اسلام، مجموعه اعتقادات و تفکراتی است که مخالف و ناموافق با شرع مقدس اسلام است و البته می‌توان هر رفتاری که منشأ این عقاید و افکار باشد را در شمول آن قرار داد.^۱ بنابراین، فعالیت مغایر در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات

۱. به‌عنوان مثال، یکی از آموزه‌های اصلی اسلام، خاتمیت نبوت با پیامبری حضرت محمد (ص) است؛ حال اگر کسی طی فعالیت تبلیغی خود، ادعا کند که فرد دیگری پس از پیامبر (ص) به نبوت برگزیده شده، ادعای او مغایر با شرع مقدس اسلام است؛ زیرا این ادعا کاملاً مخالف آموزه فوق است؛ مانند کسی که در وسط یک جاده، اقدام به ساخت‌وساز می‌کند و امکان تردد را غیرممکن می‌سازد. در این حالت، این رفتار، مغایر فلسفه وجودی جاده است؛ زیرا با وجود

اسلامی مصوب ۱۳۹۹، فعالیتی است که در تضاد با شرع مقدس اسلام باشد. از سوی دیگر، واژه «مخل» این گونه تعریف شده است: «خلل رساننده، اخلال کننده، فاسدکننده» (نرم افزار فرهنگ لغت عمید، ذیل عنوان مخل)، «مفسد، آشوب کننده» (نرم افزار فرهنگ لغت معین، ذیل واژه مخل)، «فاسدکننده، ویران کننده، اضطراب کننده، فتنه انگیزاننده» (نرم افزار فرهنگ یار دهخدا، ذیل عنوان مخل). بر این مبنا، مخل، امری است که یک پدیده یا موضوع را از وضعیت عادی خود خارج می کند؛ از این رو مراد از عقاید و افکار انحرافی مخل شرع مقدس اسلام، باورها، اعتقادات و اندیشه هایی است که هرچند مخالف و متضاد با شرع مقدس اسلام نیست و پایه و اساس آن را زیر سؤال نمی برد، اما موجب تزلزل در عقیده و درنهایت، فساد آن می شود.

بنابر مطالب ارائه شده، دو واژه مورد بحث از نظر «لغوی» متفاوت هستند و نمی توان آنها را هم معنا در نظر گرفت؛ اما به نظر می رسد قانونگذار از دو واژه «مغایر و مُخل» معنایی واحد را مورد نظر دارد. در دو نکته، این برداشت تبیین می شود.

نکته نخست: در ماده مزبور، پس از اشاره به فعالیت مغایر یا مخل، مثال هایی ذکر شده که با لحاظ آنها، بهتر می توان معانی دو واژه مورد بحث را درک کرد. مثال های مذکور مشتمل بر مواردی از قبیل «ادعای الوهیت، نبوت یا امامت» است؛ البته واضح است که این موارد، تمثیلی بوده و حصری نیست،^۱ لیکن توجه به این مثال ها می تواند به درک منظور مقنن، منجر شود. بر این مبنا، فعالیت هایی مغایر یا مخل شرع محسوب می شود که نظیر چنین ادعاهایی باشد؛ زیرا ادعاهایی در این سطح می تواند در تضاد با شرع مقدس باشد یا آن را زیر سؤال برد. برعکس اگر فرضاً کسی با

← ساختمان، نمی توان در جاده فرضی، عبور و مرور کرد.

۱. مانند تصادفی در یک جاده اتفاق می افتد و در نتیجه، جریان رفت و آمد کند می شود و به این ترتیب، در وضعیت جاده اخلال ایجاد می کند. در این حالت، تصادف یک امر مخل محسوب می شود.

۲. استعمال عبارت «از قبیل» در بند «۲» ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی نشان می دهد که موارد نام برده شده، تمثیلی است و نه حصری. به عبارت دیگر، موارد مشمول عنوان مجرمانه، محدود به مواردی که قانونگذار در ماده ذکر کرده است، نخواهد شد و هرگونه آموزش و تبلیغ که به تشخیص مرجع صالح قضایی، مغایر با شرع مقدس اسلام تشخیص داده شود، مشمول مجازات است. (چوپان زاده و فرناق، ۱۴۰۱: ۱۴۳)

تحقیق و تفحص، با «نصف بودن دیه زن نسبت به مرد» حتی در زمان صدر اسلام، مخالفت کند یا آن را زیر سؤال برد و آن را آموزش دهد، در این حالت نمی‌توان ادعای او را خلاف «شرع مقدس اسلام» دانست؛ زیرا صرفاً یکی از احکام فقهی اسلام را زیر سؤال برده است و نظر او صرفاً در مقابل «تفسیر غالب از احکام» است، اما با شرع مقدس، مقابله و ستیزی ندارد. علاوه بر این، ادعای برابری دیه زن و مرد به هیچ‌عنوان در سطح ادعاهایی که در متن بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ آمده (ادعای الوهیت، نبوت و امامت) نیست؛ بنابراین، عقل و منطق نمی‌پذیرد همان برخوردی که در قبال ادعاهای مذکور صورت می‌گیرد، در قبال ادعای خلاف مشهور نیز صورت گیرد.

نکته دوم: ادعای مخل شرع مقدس، در نهایت معنایی جز مغایرت با آن نخواهد داشت. به عبارت دیگر طرح ادعاهایی که در الوهیت، نبوت یا امامت اخلال ایجاد می‌کند، به تبع مغایر شرع مقدس اسلام است. به عنوان مثال، فردی نبوت پیامبر (ص) را انکار می‌کند؛ در این حالت، ادعای او مغایر شرع اسلام است، ولی چنانچه در نبوت وی شک کند و مباحثی طرح کند که موجب تردید در بعثت و نبوت پیامبر (ص) شود، در این صورت ادعای او در اصل، خلاف نبوت است و معنایی جز مغایرت با شرع اسلام ندارد. در نتیجه، هر ادعایی که موجب اخلال در این امور باشد، خودبه‌خود مغایر هم خواهد بود و ادعایی وجود ندارد که مخل باشد، اما مغایر نباشد.^۱ بر مبنای آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد باید واژه‌های «مغایر» و «مخل» را به رغم تفاوت در معنای لغوی، در ماده مذکور هم معنا دانست هر چند به نظر نگارندگان، بهتر است قانونگذار ضمن اصلاح بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر در لایحه تعزیرات، به جای استعمال عبارت مبهم «... مغایر و یا مخل...» از عبارتی صریح‌تر و کمتر تفسیربردار همچون «مخالف» استفاده کرده و به جای «مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام» عبارت «مخالف با اصول پنجگانه دین اسلام» را جایگزین کند. در

۱. برگرفته از سؤال مدیر کل اداره حقوقی قوه قضائیه از مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه و پاسخ آن مرکز به شماره دبیرخانه ۹۰۰۰/۸۹۱/۴۸۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳.

این صورت، آن دسته از فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی انحرافی، مصداق بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر واقع شده و در مخالفت کامل و تضاد بنیادین با اصول پنجگانه مذهب تشیع باشند. امری که ضمن کاهش دامنه شمول و مصداق عمل مجرمانه، باعث وضوح هرچه بیشتر گزاره‌های قانونی در راستای تحقق اصل کیفی بودن قوانین کیفری خواهد شد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر، در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ سه عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی»، «شرع مقدس اسلام» و «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل» ابهام دارد. در جرائم علیه امنیت که هدف آن ثبات حکومت و تلاش برای استحکام بخشیدن به اصل نظام حاکم است، مهم‌ترین و حساس‌ترین چالش، تقابل میان «حقوق حاکمیت» و «حقوق شهروندی» است. بنابراین ضروری است قانون‌نویسی این‌گونه جرائم، بدون ابهام صورت گیرد؛ اما جرم‌انگاری ابهام‌گونه ماده (۵۰۰) مکرر و استفاده از عباراتی که ریشه فقهی یا حقوقی نداشته و بعضاً نامأنوس با ادبیات تخصصی حقوق کیفری هستند، کوتاهی قانونگذار در جرم‌انگاری فنی را مشهود می‌کند؛ چراکه شایسته نیست قوانین کیفری که حساسیت بالایی داشته و با حقوق دفاعی و آزادی‌های بنیادین افراد مرتبط هستند به این صورت مبهم، نارسا و غیراصولی تدوین شود. این‌گونه جرم‌انگاری، موجب تشّت آرای قضایی، ایجاد بستر اعمال نظریات شخصی قضات و همچنین موجب دوری هرچه بیشتر از اصول دادرسی منصفانه و موازن حقوق کیفری، نقض شهروندی افراد و درنهایت مشروعیت‌زدایی از واکنش‌های کیفری اتخاذی در این راستا، خواهد شد. اگرچه امکان رفع ابهام از پاره‌ای موارد گفته‌شده در قالب دکترین حقوقی یا نظریات مشورتی اداره کل حقوقی و مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه وجود دارد، اما این شیوه از تصویب قوانین کیفری و جرم‌انگاری را نمی‌توان مورد تأیید قرار داد و اصلاح تخصصی و

فنی ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ در لایحه تعزیرات پیش رو، ضروری است. پیشنهاد راهبردی نگارندگان در این راستا بر مبنای آنچه گفته شد: نخست، حذف عبارت زائد و مبهم «... و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القاءات روانی ...» در صدر ماده مزبور و دوم، جایگزینی عبارت «مخالف با اصول پنجگانه دین اسلام» به جای «مغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام» در بند «۲» آن است تا از این طریق، ضمن ابهام‌زدایی از عبارات قانونی، پیشگیری از تفسیرهای موسّع احتمالی به نقض حقوق و آزادی‌های افراد منجر نشود.

منابع و مأخذ

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم (ق ۱۴۰۹). *کفایه الاصول*، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۲. اسدی وانانی، سیدرضا، محمد محسنی دهکلانی، سعید ابراهیمی و عباسعلی سلطانی (۱۳۹۸). «تبیین فقهی اباحه پدیده نوظهور هیپنوتیزم»، *مجله فقه پزشکی*، ش ۳۸ و ۳۹.
۳. امام‌وردی، محمدحسن (۱۳۹۹). *ابهام‌زدایی از زبان حقوقی*، تهران، چاپ اول، انتشارات مجد.
۴. امید، جلیل (۱۳۹۴). *تفسیر قانون در حقوق جزا*، تهران، چاپ اول، انتشارات مخاطب.
۵. جاوید، محمدجواد (۱۳۹۸). *روش تحقیق در علم حقوق*، چاپ چهارم، تهران، نشر مخاطب.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد سوم، انتشارات گنج دانش.
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵). *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، جلد یازدهم، تهران، انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸. جهانیان، رمضان و مهرناز روحی (۱۳۹۹). «کاربرد مدیریت ذهن و هوش در آموزش»، *نشریه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۴۹.
۹. چمپیون، دین جان (۱۳۹۵). *روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی*، ترجمه علی شایان، جلد اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۰. چوپان‌زاده، پوریا و حمید فرناق (۱۴۰۱). «ممنوعیت قانونی فعالیت تبلیغی بهائیان در ایران»، *نشریه بهائی‌شناسی*، ش ۲۱.
۱۱. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۶). *روش تحقیق*، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. خندان، محسن (۱۳۷۴). *تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی*، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۵). *نرم‌افزار فرهنگ یار دهخدا*، نسخه ۳/۱.
۱۴. دیلمی، احمد (۱۳۸۲). *بایسته‌های تفسیر قوانین با تأکید بر قوانین اساسی و مدنی*، قم، چاپ اول، انتشارات دانشگاه قم.
۱۵. سلیمی، انسیه (۱۴۰۱). «مسئولیت کیفری قربانیان کنترل ذهن با تأکید بر ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی»، *دهمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی*.
۱۶. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم رفتاری*، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر.
۱۷. صادقی‌مقدم، محمدحسن و محمدحسن امام‌وردی (۱۳۹۲). «گونه‌هایی از ابهام در گزاره‌های قانونی»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره پنجم، سال دوم، ش ۳.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۹۸). *نرم‌افزار فرهنگ لغت عمید*.

ابهام در جرم انگاری فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل ... _____ ۱۰۹

۱۹. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۸). روش تفسیر قوانین کیفری، قم، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.

۲۰. کریمی‌نیا، محمدمهدی، مجتبی انصاری‌مقدم و مریم زاهدی (۱۴۰۰). «تحلیلی بر کنترل ذهن»، نشریه پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، ش ۴۴.

۲۱. مرعشی، سیدعلی (۱۴۰۰). درسنامه روان‌شناسی/اسلامی، چاپ اول، اهواز، انتشارات معتبر.

۲۲. مظفر، محمدرضا (۱۳۹۱). اصول فقه، جلد اول، چاپ یازدهم، قم، انتشارات دارالفکر.

۲۳. معین، محمد (۱۳۹۵). نرم‌افزار فرهنگ لغت معین.